

واکاوی تأثیر اختلاف قرائات در استخراج حکم یمین از آیات قرآن کریم

علی مرادی^۱

چکیده

موضوع قرائات مختلف قرآن کریم در طول تاریخ، مورد توجه مفسران و فقها قرار داشته است. همچنین پرواضح است که آیات قرآن، تأثیر مستقیمی در استنباط احکام تکلیفی مسلمانان دارد. سؤالی که مطرح است این که ارتباط قرائات مختلف قرآن کریم در آن دسته از آیات که متکفل بیان حکمی از احکام شرعی است، با حکم نهایی مستخرج از این آیات چیست؟ آیا می‌توان برای قرائات مختلف از آیات الأحکام، اثری را در حکم مستخرج تصور کرد یا خیر؟ در این مقاله سعی می‌شود که پس از بررسی اختلافات موجود در قرائت آیه ۸۹ سوره مبارکه مائده، نحوه تأثیرگذاری این اختلافات و نیز احکام نهایی مستخرج از هر یک از آن‌ها در کنار بررسی استدلالات مربوطه، مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد؛ که از میان، سه موضع دارای اختلاف در قرائت آیه یمین، دو موضع را می‌توان دارای اثر فقهی مستقل دانست. کلیدواژه‌ها: تأثیر اختلاف قرائات، احکام یمین، آیه یمین، قرائات سبعة، حکم فقهی.

۱ - مقدمه

یکی از مهم‌ترین منابع فهم صحیح مفاهیم اسلامی، قرآن کریم است و بدون شک، عدم بهره‌گیری از این منبع عظیم و تأثیرگذار، منجر به عدم فهم صحیح و کامل مفاهیم اسلامی می‌شود. نیز یکی از ارکان علوم قرآنی، علم القرائة است. موضوع اختلاف قرائات قرآن کریم همواره مورد توجه مفسران و فقیهان بوده و هست. ضرورت و اهمیت تأثیر پردازش علما به این موضوع مهم، زمانی دوچندان واضح می‌شود که می‌بینیم برخی از قرائات روایت شده توسط قاریان و راویان قرآن، ثمره فقهی مستقلی باقی می‌گذارد که سایر قرائت آن، به آن ثمره منجر

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم قرآن و حدیث قم (alimoradiiiiiiii00@gmail.com).

نمی‌شود. از طرفی دیگر در برخی از موارد مهم مانند: احکام یمین و یا کفارات مربوط به آن، حکم فقهی برخی از فقها، رعایت احتیاط در جوانب این موضوع است و این در حالی است که با بررسی‌های انجام شده مشخص شد در خصوص تأثیر اختلاف قرائات موجود در قرائت آیات مربوط به یمین در حکم نهایی مستخرج از آن، پژوهشی صورت پذیرفته است؛ از این رو شایسته است که آیات مختلفی که صراحتاً به حوزه یمین و احکام و کفارات آن اقرار دارد - که در ادامه به آن اشاره خواهد شد - به صورت دسته‌بندی شده و مجزا مورد بررسی قرار گیرد و نتایج حاصل شده و نیز استدلالات مربوط به هر کدام از قرائات موجود ارائه شود.

۲-۱- ضرورت پژوهش

با عنایت به میزان والای اهمیت موضوع جامع بودن بررسی‌های علمی در طریق استنباط حکم شرعی، خصوصاً در مواردی که مبتنی بر آیه یا آیاتی از قرآن کریم، حکم یا احکامی استخراج می‌شود و همچنین با نگاه به موضوع یمین و احکام مرتبط با آن - که می‌توان آن را یکی از فروع مبتلا به در میان مسلمانان قلمداد کرد -، نیز با توجه به آثار مترتبه بر مکلف در زمان انعقاد یمین و سپس کفارات مربوط به ترک آن و در نهایت با توجه به این‌که طبق بررسی‌های صورت پذیرفته، اثری که در برگزیده آثار اختلاف قرائات آیات مربوط به حوزه یمین باشد یافت نشد، ضرورت این پژوهش احساس و مشخص می‌شود؛ لذا پژوهش فعلی صورت پذیرفته و به این سؤالات پاسخ داده است: میزان مورد نیاز ورود پژوهشگران حوزه قرآن در موضوع اختلاف قرائات قرآن کریم تا چه حدی است؟ در صورت بررسی هر یک از قرائات آیات مربوط به یمین و احکام آن و یافتن اختلافاتی در شیوه قرائت آن‌ها تأثیرشان بر حکم فقهی مستخرج چیست؟

۳-۱- پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌ها و جستارهای صورت گرفته باید گفت که در حوزه تأثیر اختلاف قرائات قرآن کریم بر مؤلفه‌های مختلف مربوط به قرآن کریم به‌ویژه عرصه تفسیر و معنای قرآن کریم، پژوهش‌های مختلف و متعددی سامان یافته است که از جمله آن‌ها می‌توان به مقالات «تأثیر اختلاف قرائات در تفسیر»، نوشته حسین آشوری، «واکاوی تأثیر اختلاف قرائات سبع در تفسیر

سوره نساء))، نوشته سارا حسن زاده و نیز «واکاوی و بررسی اختلاف قرائات سبع در سوره یس»، نوشته مشترک علی اسودی و فاطمه اسبقی، اشاره کرد؛ لکن هیچ کدام از پژوهش های صورت یافته در برگیرنده عرصه تأثیر فقهی اختلافات به صورت خاص و با محوریت حکم فقهی مستخرج نیست. ضمن این که با توجه به گستردگی نتایج حاصله، تمرکز این مقاله، عبور از محدوده سوره و تعمیق در محدوده یک آیه (آیه ۸۹ سوره مائده) در خصوص مسئله یمین و احکام آن بوده است.

۴-۱- ادبیات پژوهش

به طور کلی و با بررسی اجمالی آیات متعدد قرآن کریم درمی یابیم که آیات قرآن در حوزه یمین به چند دسته تقسیم می شود؛ در برخی از آنها سخن از نهی عرضه [فوری] خداوند متعال در یمین ها است: ﴿وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۲۴)؛ و زنهار نام خدا را هدف سوگندهای خود مکنید تا [با این سوگندهای راست و دروغ] از حقوقی که مردم را بر شماست، برائت جوئید و خود را نیکوکار و پرهیزکار قلمداد کنید و مصلح میان مردم جلوه دهید؛ و خدا [راست و دروغ و نیک و بد را] شنوا و داناست.

در برخی دیگر، نهی از نقض یمین مورد اشاره است: ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يُعَلِّمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ (نحل: ۹۱)؛ و چون با خدا [و رسول و بندگانش] عهده بستید، بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار کردید مشکنید؛ چرا که خدا را بر خود ناظر و گواه گرفته اید. همانا خدا به هر چه می کنید آگاه است. در برخی دیگر نیز فحوای سخن، بیان عذاب نقض یمین است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران: ۷۷)؛ آنان که عهد خدا و سوگند خدا را به بهایی اندک بفروشدند، اینان را در آخرت بهره ای نیست و خدا با آنها [از خشم] سخن نگوید و در قیامت [به نظر رحمت] بدانها ننگرد و [از پلیدی گناه] پاکیزه شان نگرداند، و آنان را عذابی دردناک خواهد بود.



در پاره‌ای از آیات به اهمیّت یمین و آثار و نتیجه ترک آن اشاره می‌شود: ﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾ (توبه: ۱۲)؛ و اگر آنها سوگند خود را بعد از عهدی که بسته‌اند بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند، در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست؛ باشد که بس کنند. همچنین ﴿أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أُولَِّ مَرَّةٍ اتَّخَشُونَهُمْ فَأَلَلَهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (توبه: ۱۳)؛ آیا با قومی که عهد و پیمان خود را شکستند و اهتمام کردند که رسول خدا را [از شهر و وطن خود] بیرون کنند قتال و کارزار نمی‌کنید؟ در صورتی که آنها اول‌بار به دشمنی و قتال شما برخاستند، آیا از آنها ترس دارید؟ و حال آن‌که سزاوارتر آن است که از خدا بترسید، اگر اهل ایمانید.

موضوع انحراف از استفاده و بهره‌برداری صحیح از یمین، مورد اشاره بعضی دیگر از آیات است: ﴿اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ (مجادله: ۱۶)؛ آن مردم منافق، سوگند و قسم‌های خود را سپر قرار دادند پس [خلق را] از راه خدا بازداشتند، پس بر آنها کیفر عذاب ذلت و خواری خواهد بود. همچنین ﴿اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (منافقون: ۲)؛ قسم‌های [دروغ] خود را سپر جان خویش [و مایه فریب خلق] قرار داده‌اند و بدین وسیله، راه خدا را [به روی خلق] بسته‌اند؛ آنان آنچه می‌کنند بسیار بد می‌کنند.

در نهایت، برخی از آیات مربوط به اصل یمین و مورد حساب بودن حالف و احکام و سایر متعلقات به آن است: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَا كُنْ يُوَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۲۵)؛ خدا شما را به سوگندهای لغو مؤاخذه نکند؛ ولیکن به آنچه در دل دارید مؤاخذه خواهد کرد و خدا بسیار آمرزنده و بردبار است. همچنین ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَا كُنْ يُوَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده: ۸۹)؛ خدا به قسم‌های بیهوده، شما را مؤاخذه نخواهد کرد؛ ولیکن بر [شکستن] آن قسمی که از روی

عقیده قلبی یاد کنید، مؤاخذه خواهد نمود. و کفاره آن قسم طعام دادن، ده فقیر است از آن طعام متوسط که بر اهل خود غالباً تهیه می‌کنید، یا جامه بر آنها پوشانده و یا یک بنده آزاد کنید، و هر کس توانایی آن ندارد، سه روز روزه بدارد. این است کفاره [شکستن] سوگندهایی که یاد می‌کنید؛ و باید [حرمت] سوگندهای خود را نگاه دارید. خدا بدین گونه، روش آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید که شکر او به جای آید.

از میان این آیات، تنها سور بقره و مائده دارای فحوای فقهی هستند که آن دو نیز در صدر آیه، یعنی عبارت «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ» (بقره: ۲۲۵؛ مائده: ۸۹) با یکدیگر مشترک‌اند و شایسته است اشاره شود که آیه ۸۹ سوره مائده به «آیه یمین» مشهور است.

آنچه در ابتدای آیات ۲۲۵ بقره و ۸۹ مائده به آن اشاره شده، موضوع «یمین لغو» است که در مقابل «یمین منعقد» قرار دارد و خدای متعال در عبارت «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ» (بقره: ۲۲۵؛ مائده: ۸۹) مؤاخذه و کفاره را از ایمان لغو و قسم‌هایی که از روی لقلقه زبان ادا می‌شود، رفع کرده است.

۲- واکاوی کیفیت انعقاد یمین در آیه یمین با نگاه به قرائات مختلف آن

با بررسی روایات مختلف این آیه در می‌یابیم که در شیوه قرائت عبارت «عَقَدْتُمْ الْأَيْمَانَ» (مائده: ۸۹) سه قرائت موجود است. ابن مجاهد در کتاب القرائات السبعة می‌گوید: «وَإِخْتَلَفُوا فِي تَشْدِيدِ الْقَافِ وَتَخْفِيفِهَا وَإِدْخَالَ الْأَلْفِ وَإِخْرَاجِهَا مِنْ قَوْلِهِ «بِمَا عَقَدْتُمْ الْأَيْمَانَ» فَقَرَأَ ابْنُ كَثِيرٍ وَنَافِعٌ وَأَبُو عَمْرٍو «بِمَا عَقَدْتُمْ» بِغَيْرِ أَلْفٍ مُسَدَّدَةٍ الْقَافِ وَكَذَلِكَ رَوَى حَفْصٌ عَنْ عَاصِمٍ وَقَرَأَ عَاصِمٌ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَكْرٍ وَحَمْرَةَ وَالْكَسَائِيُّ «بِمَا عَقَدْتُمْ» خَفِيفَةَ بِغَيْرِ أَلْفٍ وَقَرَأَ ابْنُ عَامِرٍ «وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمْ» بِالْأَلْفِ» (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۲۴۷/۱).

ابن الجزری در النشر فی القرائات العشر این گونه می‌آورد: «وَإِخْتَلَفُوا فِي «عَقَدْتُمْ» فَقَرَأَ حَمْرَةَ وَالْكَسَائِيُّ وَخَلْفٌ وَأَبُو بَكْرٍ «عَقَدْتُمْ» بِالْقَصْرِ وَالتَّخْفِيفِ وَرَوَاهُ ابْنُ ذَكْوَانَ كَذَلِكَ إِلَّا أَنَّهُ بِالْأَلْفِ وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالتَّشْدِيدِ مِنْ غَيْرِ أَلْفٍ» (ابن الجزری، بیتا، ۲/۲۵۵). در إتحاق فضلاء البشر نیز آمده است: «وَإِخْتَلَفَ فِي «عَقَدْتُمْ» فَابْنُ ذَكْوَانَ بِالْأَلْفِ، وَتَخْفِيفِ الْقَافِ عَلَى وَزْنِ «قَاتَلْتُمْ» قِيلَ وَهُوَ بِمَعْنَى فَعَلَ وَقَرَأَ أَبُو بَكْرٍ وَحَمْرَةُ وَالْكَسَائِيُّ وَكَذَا خَلْفٌ عَقَدْتُمْ بِالْقَصْرِ

و التخفيف على الأصل وافقهم الأعمش، وقرأ الباقون بالقصر و التشديد على التثنية» (بناء، ۱۴۲۷: ۲۵۶).

بر این اساس، شیوه‌های مختلف مورد اشاره قرائت عبارت «عَقَّدْتُمْ» به این شرح است: ابن کثیر و نافع و عاصم در روایت حفص و ابن عامر و ابوعمر و یعقوب: «عَقَّدْتُمْ»؛ حمزه و کسائی و عاصم در روایت ابو بکر و خلف و الأعمش: «عَقَّدْتُمْ»؛ ابن عامر در روایت ابن ذکوان: «عَقَّدْتُمْ» البته برای قرائت‌های دوم و سوم، اثر فقهی معینی وجود ندارد (ر.ک: المشهدانی، ۱۴۳۶: ۱۹۲)؛ لکن برای قرائت «عَقَّدْتُمْ» در عرصه انعقاد یمین، آثار فقهی مختلفی نمایان می‌گردد که در ادامه، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- بررسی آثار فقهی قرائت عبارت آیه یمین به تشدید قاف و بدون الف

اولین اثر، منوط نمودن وجوب کفاره به حالت تکرار یمین است؛ زیرا ماده «ع ق د» در باب تفعیل استعمال شده است و اولین معنای استعمال فعل در باب تفعیل، تکثیر در آن است. حملاوی در شذا العرف، ذیل باب فَعَّل می‌آورد: «وتنفرد بستة: أولها: التثنية في الفعل، كجَوَّلَ، وطَوَّفَ: أكثر الجَوْلان والطَّوْفان (حملاوی، ۱۴۳۶ق، ۵۰)؛ و با شش مؤلفه از باقی افعال متمایز می‌شود که اولین آنها تکثیر در فعل است، مانند: جَوَّلَ و طَوَّفَ: یعنی جولان را بسیار کرد و طواف را افزایش داد». بنابراین، زمانی کفاره واجب می‌شود که حالف، مصداق مکرر در یمین باشد و در غیر این صورت، کفاره بر او واجب نمی‌شود.

دومین اثر، عدم تکرار کفاره با تکرار یمین است؛ چون همان‌طور که اشاره شد، در بطن «عَقَّدْتُمْ» به تشدید قاف، معنای تکرار و تکثیر نهاده شده است و به تعبیری، جزئی از فعل محسوب می‌شود که در این صورت، یک کفاره برای همه یمین‌هایی است که در ضمن یک فعل، تکرار و تکثیر شده‌اند و برای هر یمین، کفاره جداگانه، لازم نیست؛ لکن در این‌جا بین فقها اختلافی بر سر این که «مصداق این حالت و به تعبیر دقیق‌تر، مرز تکرار و تکثیر که در ضمن فعل واقع شده در باب تفعیل موجود است چیست؟ و تکرار نهادینه شده در این یمین را تا چه حدی می‌توان به عنوان یک یمین واحد برشمرد؟» رخ داده است که به شرح آن می‌پردازیم.

۲-۱-۱- رأی بر وجوب یک کفاره فقط، بدون اثر بخشی به تعداد مجالس یمین و نیت حالف

برخی از فقها قائل به وجوب فقط یک کفاره برای نقض یمین هستند و برای تعدد یا وحدت مجلس یمین، تأثیری در حکم نهایی کفاره قائل نیستند؛ لذا معتقدند چه در یک مجلس و چه در چند مجلس یمین عقد شود، برای نقض آن یمین، تنها یک کفاره لازم است. صاحب کتاب شریف جواهر الکلام در این باره می‌آورد: «لا تکرر الکفارة بتکرر الیمین سواء قصد التأكيد أو لم يقصد أو قصد بالثانية غير ما قصد بالأولى إذا كان المحلوف عليه واحداً و الزمان واحداً كأن يقول: "والله لا وطأتك و الله لا وطأتك" (نجفی، بی‌تا: ۳۴۱/۳۳)؛ کفاره با تکرار قسم تکرار نمی‌شود، خواه با قسم دوم، تأکید را قصد کرده باشد یا خیر و خواه با قسم دوم، غیر از مقسم علیه اول را قصد کرده باشد یا خیر [زمانی که محلوف علیه واحد باشد و زمانش نیز واحد باشد] مانند این که بگوید: "والله لا وطأتك والله لا وطأتك"».

۲-۱-۲- رأی بر وجوب یک کفاره، با اثر بخشی به نیت حالف

برخی دیگر از فقیهان، قائل به این هستند که اگر حالف با یمین دوم، همان یمین اول را ورد قصد و نیت خویش قرار دهد، در این صورت نیز فقط یک کفاره شامل اول می‌شود. مؤلف کتاب المسبوط در ذیل بحث مربوط به یمین این چنین می‌آورد: «وَأَمَّا إِذَا نَوَى بِالْكَلامِ الثَّانِي الْيَمِينَ الْأَوَّلَ، فَعَلَيْهِ كَفَّارَةٌ وَاحِدَةٌ؛ لِأَنَّهُ قَصَدَ التَّكَرَّرَ (السرخسی، ۱۴۱۴: ۱۵۷/۷)؛ و اما زمانی که با کلام دوم، قسم اول را نیت کند، پس یک کفاره واحد بر او واجب است؛ چون تکرار را قصد کرده است». در غیر این صورت، یعنی زمانی که با کلام دوم، یمین اول را قصد نکرده باشد، حکم آن را ادای کفاره برای هر یک از یمین‌ها به صورت مستقل اعلام می‌نماید: «وَإِذَا حَلَفَ الرَّجُلُ عَلَى أَمْرٍ لَا يَفْعَلُهُ أَبَدًا، ثُمَّ حَلَفَ فِي ذَلِكَ الْمَجْلِسِ أَوْ فِي مَجْلِسٍ آخَرَ لَا يَفْعَلُهُ أَبَدًا، ثُمَّ فَعَلَهُ، كَانَتْ عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ يَمِينَيْنِ؛ لِأَنَّ الْيَمِينَ عَقْدٌ يَبَاشِرُهُ بِمُبْتَدَأٍ وَخَبَرٍ، وَهُوَ شَرْطٌ وَجَزَاءٌ، وَالثَّانِي فِي ذَلِكَ مِثْلُ الْأَوَّلِ فَهَمَا عَقْدَانِ (همان: ۱۵۷/۷)؛ و زمانی که مرد بر چیزی قسم بخورد که ابداً آن را انجام نمی‌دهد، سپس در همان مجلس، مجدداً قسم یاد کند یا در مجلسی دیگر قسم یاد کند که ابداً آن را انجام نمی‌دهد، سپس آن کار را انجام دهد، پس کفاره دو یمین بر او واجب است؛ چون یمین، یک عقدی است که آن را با یک مبتدا و یک خبر به انجام می‌رساند

و او در حقیقت، یک شرط و یک جزاء است و دومی در آن، مثل اولی [مجزاً] است؛ پس دو عقد هستند».

۲- ۱- ۳- رأی بر وجوب یک کفاره فقط، با اثربخشی به تعداد مجالس یمین

برخی دیگر از فقها، حکم نهایی را ادای یک کفاره بیان داشته‌اند زمانی که یمین‌ها در یک مجلس منعقد شده باشند و اگر در چند مجلس رخ داده باشد، برای هر یمین، یک کفاره را لازم دانسته‌اند. ابن قدامه مقدسی در المغنی می‌آورد: «وَلَوْ حَلَفَ بِهَذِهِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا عَلَى شَيْءٍ وَاحِدٍ، فَحَنَيْتَ، فَعَلَيْهِ كَفَّارَةٌ وَاحِدَةٌ» (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۵۱۴/۹)؛ اگر با همه این اشیاء به یک شیء واحد قسم بخورد، سپس قسم را بشکند، پس تنها یک کفاره بر او واجب است». در ادامه نیز می‌آورد: «إِنْ كَانَ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ كَقَوْلِنَا، وَإِنْ كَانَ فِي مَجَالِسٍ كَقَوْلِهِمْ (همان)؛ اگر در یک مجلس باشد، پس مثل نظر ماست [یعنی همان یک کفاره به تنهایی] و اگر در چند مجلس باشد، مثل قول سایر فقهاست [یعنی برای هر قسم در هر مجلس یک کفاره لازم است]».

۳- واکاوی کیفیت بیان کفاره در آیه یمین با نگاه به قرائات مختلف آیه

با بررسی قرائات مختلف این آیه در می‌یابیم که در شیوه قرائت عبارت «كُسُوْتُهُمْ»، سه روایت موجود است. حلبی در الدر المصون آورده است: «وَقَرَأَ الْجُمْهُورُ: "كِسُوْتُهُمْ" بِكَسْرِ الْكَافِ» (حلبی، بیتا: ۴۰۹/۴). نیز أبو حیان در البحر المحيط می‌گوید: «وَقَرَأَ النَّخَعِيُّ وَابْنُ الْمُسَيَّبِ وَابْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ كِسُوْتُهُمْ بِضَمِّ الْكَافِ» (الأندلسی، ۱۴۲۰: ۳۵۳/۴) و در ادامه آورده است: «وَقَرَأَ ابْنُ جُبَيْرٍ وَابْنُ السَّمِيفِ أَوْ كَأَسُوْتُهُمْ بِكَافِ الْجَرِّ عَلَى أُسْوَةٍ» (همان: ۳۵۴/۴) که بر این اساس، شیوه‌های مختلف قرائت عبارت «كِسُوْتُهُمْ» به این شرح است: جمهور: «كِسُوْتُهُمْ»؛ نخعی، ابن المسيب و ابن عبدالرحمان: «كُسُوْتُهُمْ»؛ ابن جبیر و ابن السمیف: «كَأَسُوْتُهُمْ».

قرائت اول و دوم در حقیقت یک قرائت هستند با دو لهجه یا به تعبیری با دو زبان. بنا بر روایت اول و دوم، کِسُوَه، نوعی از کفارات محسوب می‌شود و در این حالت، کفارات یمین منعقد چهار نوع محاسبه می‌شود که مکلف در بین سه نوع از آن‌ها یعنی: اطعام، کسوه و تحریر رقبه، مخیر است و اگر در اتیان به یکی از آن‌ها معذور گردد، کفاره به روزه منتقل و تبدیل می‌شود.

۳- ۱- بررسی اثر قرائت «كَأَسْوَتِهِمْ» در آیه یمین

در صورتی که قرائت سوم یعنی «كَأَسْوَتِهِمْ» برگزیده شود، اثر فقهی در محلی نمایان می‌شود که کفارات از چهار نوع به سه نوع تقلیل می‌یابند و عبارت «كَأَسْوَتِهِمْ» به عنوان تأکیدی بر عبارت «مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ» محسوب می‌شود و تقدیر آیه چنین می‌شود: «مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ إِطْعَامِهِمْ كَأَسْوَتِهِمْ» یا «كَكِفَايَةِ إِسْوَتِهِمْ». ابن جنی در المحتسب بیان می‌دارد: «[قال] أبو الفتح: كأنه - والله أعلم - قال: أو كما يكفي مثلهم، فهو على حذف المضاف، أو ككفاية أسوتهم، وإن شئت جعلت الإسوة هي الكفاية (ابن جنی، ۱۴۲۰ق: ۲۱۸/۱)؛ ابوالفتح گفته است: انگار که - و خدا آگاه‌تر است - گفته است یا [تقدیر این چنین است] "کما یکنفی مثلهم" که در این صورت، بنا بر حذف مضاف است، یا "ککفایة أسوتهم" و اگر خواستی [معیاری] اسوه را برای کفایت قرار ده». عبارت یادشده بیانگر این احتمال است که مراد از این قرائت، بیان مقدار طعام مسکین است.

در این خصوص، شیخ مفید نیز در کتاب المقنعة بیان داشته است: «قد مضى القول في كفارة الأيمان و بينا أنها عتق رقبة أو كسوة عشرة مساكين لكل مسكين ثوبان أو إطعامهم لكل مسكين شعبه في يومه (المفيد، ۱۴۱۳: ۵۶۸)؛ صحبت در مورد کفاره قسم‌ها گذشت، درحالی که آن یا آزاد کردن بنده‌ای است یا پوشاندن دو لباس به ده مسکین یا اطعام آن‌ها برای هر مسکین به اندازه سیر شدنش در یک روز». پس در این صورت، وجوب اطعام - به همان شکلی که اهلش را اطعام می‌کند - به استحباب تقلیل پیدا می‌کند؛ چرا که در این حالت، آنچه واجب است، اطعام تا حد سیری مسکین است و نه بیشتر.

۴- واکاوی کیفیت تتابع صوم در کفاره یمین با نگاه به قرائت مختلف آیه یمین

با بررسی روایات مختلف این آیه در می‌یابیم که در شیوه قرائت عبارت «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ» (مانده: ۸۹)، دو روایت موجود است: اول قرائت جمهور یعنی «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ» و دوم قرائت ابن مسعود و ابی ابن کعب که عبارت «متتابعات» را بعد از «ایام» دارد. سیوطی در الدر المنثور آورده است: «أخرج ابن جرير وَالبَيْهَقِيُّ فِي سَنَنِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي آيَةِ كَفَّارَةِ الْيَمِينِ قَالَ: هُوَ بِالْخِيَارِ فِي هَوْلَاءِ الثَّلَاثَةِ الْأَوَّلِ فَالْأَوَّلِ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ شَيْئاً مِنْ



ذَلِكَ فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مُتَتَابِعَاتٍ (السيوطي، ۱۴۳۲: ۵۵۵/۲)؛ از ابن جریر و بیهقی در کتبشان به نقل از ابن عباس نقل است که: در آیه کفاره یمین گفته است: در هر سه مورد، مکلف مختار است. سپس اگر نتوانست انجام دهد، پس سه روز پشت سر هم را روزه بگیرد». در ادامه نیز آورده است: «لَمَّا نَزَلَتْ آيَةُ الْكُفَّارَاتِ قَالَ حَدِيثُهَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ بِالْخِيَارِ قَالَ أَنْتَ بِالْخِيَارِ إِنْ شِئْتَ أَعْتَقْتَ وَإِنْ شِئْتَ كَسَوْتَ وَإِنْ شِئْتَ أَطَعَمْتَ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مُتَتَابِعَاتٍ (همان)؛ در زمان نزول آیه کفارات، حدیفه به رسول خدا ﷺ گفت: ای رسول خدا! آیا ما [در میان این سه] اختیار داریم؟ پیامبر ﷺ فرمود: "تو اختیار داری؛ اگر خواستی بنده آزاد کن و اگر خواستی لباس بپوشان و اگر خواستی اطعام کن. پس اگر چیزی پیدا نکرد، سه روز متوالی را روزه بگیرد".»

البته باید گفت که یقیناً این دو قرائت، به دلیل مخالفتشان با رسم المصحف، جزء قرائات شاذه محسوب می شوند؛ لکن با مطرح شدن این قرائت شاذه فقهاء در خصوص شرط تتابع در روزه کفاره یمین، اختلافی به شرح ذیل داشته اند:

۴-۱- رأی به اشتراط تتابع در صوم کفاره یمین

شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه در ذیل بحثی به نقل از علی بن الحسین رضی الله عنه آورده است: «إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْإِطْعَامَ قَالَ اللَّهُ ﷻ «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ» فَكُلُّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٌ وَ لَيْسَ بِمُتَفَرِّقٍ» (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۷۷/۲) که عبارت «فَكُلُّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٌ وَ لَيْسَ بِمُتَفَرِّقٍ» به معنای این اشتراط تتابع در صوم کفاره یمین است.

۴-۲- رأی به استحباب تتابع در صوم کفاره یمین

ابن رشد قرطبی در کتاب بدایة المجتهد و نهاية المقتصد به نقل از مالک و شافعی در ذیل بحثی، حکم تتابع ایام صوم کفاره یمین را استحباب نقل می کند. وی آورده است: «فإن مالکاً و الشافعی لم یشرطا فی ذلك وجوب التتابع وإن كانا استحباها (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۱۸۰/۲)؛ پس مالک و شافعی، آن تتابع را شرط نکرده اند، البته آن را مستحب دانسته اند». مسئله قابل توجه آن است که ابن رشد در این موضوع، اولین سبب اختلاف فقها در این خصوص را صراحتاً موضوع

اختلاف قرائت ذکر می‌کند و این چنین بیان می‌دارد: «و سبب اختلافهم فی ذلك: شیئان: أحدهما: هل يجوز العمل بالقراءة التي ليست في المصحف؟ و ذلك أن في قراءة عبد الله بن مسعود: فصيام ثلاثة أيام متتابعات ... (همان)؛ و علت اختلافشان دو چیز است: اول این که آیا عمل به قرائتی که در مصحف نیست، مجاز است؛ که مقصود قرائت ابن عباس «فصيام ثلاثة أيام متتابعات» است...». مشخص می‌شود منشأ حکم برخی از فقها که تابع را شرط دانسته‌اند و برخی دیگر آن را مستحب شمرده‌اند، همان قرائت ابن مسعود یعنی «فصيام ثلاثة أيام متتابعات» است.

۴-۳- رأی به عدم اشتراط تتابع در صوم كفارة یمین

برخی دیگر از علما نیز تتابع در صوم كفارة یمین را شرط نمی‌دانند، مانند آنچه ابن حزم اندلسی در کتاب المحلّی بیان داشته است: «فإذ لم یخصّ الله تعالی تتابعاً من تفریق، فكیفما صامهنّ أجزاءً (ابن حزم، بی‌تا: ۳۴۵/۶)؛ پس چون خدای متعال تتابعی را شرط نکرده است، به هر گونه‌ای انجام دهد صحیح است».

همان‌طور که از عبارت وی مشخص است، منشأ این حکم نیز موضوع اختلاف قرائت در آیه یمین است. وی بیان می‌دارد: این که چون خدای متعال در آیه یمین اشاره‌ای به تتابع نکرده است، پس هرگونه ادا کند، مصیب است. پُر واضح است که قرائت ابن مسعود یعنی «فصيام ثلاثة أيام متتابعات» را به علت مخالفتش با رسم المصحف، مطرود می‌داند و اساساً شأنی برای مطرح کردن آن نمی‌بیند.

۵- نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌های انجام شده در موضوع تأثیر قرائت و روایات مختلف قرآن کریم در آیه ۸۹ سوره مبارکه مائده - که به آیه یمین مشهور است - این نتیجه حاصل شد که: فارغ از تدقیق در فتاوا و ادله صدور آنها از علمای فریقین و نیز فارغ از بحث در ماهیت و صحت و سقم قرائت و روایات مختلفی که از آیات قرآن کریم به ما رسیده است، آنچه بسیار چشمگیر است و اهمیت فراوانی دارد این است که: این اختلاف قرائت و روایات، قطعاً دارای ثمره فقهی است و می‌توان گفت یکی از اسباب اصلی میل برخی از فقها به سمت برخی از فتاوا نیز موضوع اختلاف قرائت است که نمونه‌هایی از آن ذیل بررسی آیه یمین آورده شد.

نیز باید گفت که با توجه به شدت اختلاف احکام استنباط شده از هر یک از این قرائات تا جایی که در برخی از آن‌ها و در یک موضوع واحد، عده‌ای به وجوب و عده‌ای به مباح بودن حکم داده‌اند، بر هر پژوهشگری لازم است در مسیر بررسی آیات قرآن کریم، نگاه ویژه‌ای به موضوع اختلافات موجود در قرائات آیات داشته باشد. همچنین پُر واضح است که بر شخص پژوهشگر لازم است پس از بررسی مبانی موضوع اختلاف قرائات قرآن کریم، در نهایت دیدگاه خود را به صورت مستدل، اخذ کند و مسیر پژوهشی خود را مبتنی بر آن دیدگاه به دست آمده در مورد اختلاف قرائات قرآن کریم طی نماید.

در خصوص آیه یمین آنچه به دست آمد این است که: از میان سه موضع مورد اختلاف در این آیه - که تأثیر مستقیمی در استخراج حکم نهایی از آیه دارد - تنها مواضع اول و دوم یعنی اختلاف در عبارات «عَقَدْتُمْ» و «كَسَوْتُهُمْ»، قابل بررسی فقهی با نگاه کشف تأثیر در استخراج حکم نهایی است و می‌توان اثر فقهی مستخرج از قبول آن را یکی از وجوه حکم حقیقی مورد قصد شارع دانست؛ لکن موضع سوم اختلاف یعنی عبارت «فصيام ثلاثة أيام متتابعات» را با عنایت به مخالفت آن با رسم المصحف و نیز ضعف موجود در کیفیت نقل آن، نمی‌توان جزء مواضعی که اختلاف موجود در قرائت آن دارای اثر فقهی است برشمرد؛ چرا که اصل و اساس آن مورد نقد است. در این خصوص باید گفت: اگر اصل در جعل کفاره، تأدیب نفس است و تأدیب نفس با تتابع صوم حاصل می‌شود، پس ممکن است که ناقلان این قرائات در هنگام استماع آیه یمین از پیامبر اکرم ﷺ، عبارت «متتابعات» را شنیده‌اند و به اشتباه، آن را قرآن فرض کرده‌اند؛ لکن در این صورت نیز عبارت «متتابعات»، شأن تفسیر نبوی پیدا می‌کند و حال آن‌که ما در این مجال، واکاوی تأثیر اختلاف قرائت آیات قرآن کریم را مورد بحث قرار دادیم نه غیر آن.

كتابنامه

* قرآن كريم (با ترجمه فارسى مهدى الهى قمشه اى).

۱. ابن بابويه، محمد بن على، (۱۳۶۳ش)، من لا يحضره الفقيه، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامى.
۲. ابن جنى الموصلى، أبو الفتح عثمان بن جنى، (۱۴۲۰ق)، المحتسب في تبين وجوه شواذ القراءات والإيضاح عنها، بيجا: وزارة الأوقاف - المجلس الأعلى للشئون الإسلامية.
۳. ابن حزم الأندلسى، أبو محمد على بن أحمد بن سعيد، (بيتا)، المحلى بالآثار، بيروت: دار الفكر.
۴. ابن رشد القرطبي، أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد، (۱۴۲۵ق)، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، القاهرة: دارالحديث.
۵. ابن قدامة الجماعلي المقدسى، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد، (۱۳۸۸ق)، المغنى لابن قدامة، مكتبة القاهرة.
۶. ابن مجاهد البغدادي، أحمد بن موسى بن العباس التميمي، (۱۴۰۰ق)، كتاب السبعة فى القرائات، تحقيق: شوقى ضيف، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم.
۷. الأندلسى، أبوحيان، (۱۴۲۰ق)، البحر المحيط فى التفسير، لبنان: دارالفكر.
۸. بناء الدمياطي، أحمد بن محمد بن أحمد بن عبد الغنى، (۱۴۲۷ق)، إتحاف فضلاء البشر فى القراءات الأربعة عشر، تحقيق: أنس مهرة، لبنان: دارالكتب العلمية، چاپ سوم.
۹. الحملاوى، أحمد، (۱۴۳۶ق)، شذا العرف فى فن الصرف، لبنان: المكتبة العصرية، چاپ اول.
۱۰. الدمشقي، الحافظ أبي الخير محمد بن محمد، (بيتا)، النشر فى القراءات العشر.
۱۱. السرخسى، محمد بن أحمد بن أبي سهل، (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بيروت: دار المعرفة.
۱۲. السمين الحلبي، أبو العباس شهاب الدين أحمد بن يوسف بن عبد الدائم، (بيتا)، الدر المصون فى علوم الكتاب المكنون، دمشق: دارالقلم.
۱۳. السيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن أبى بكر، (۱۴۳۲ق)، الدر المنثور فى التفسير المأثور، لبنان: دارالكتب العلمية، چاپ سوم.

١٤. المشهدانى، فواز اسماعيل، (١٤٣٦ق)، حجية القرائات و أثرها فى الفقه، لبنان: دارالكتب العلمية، چاپ اول.
١٥. مفيد، محمد بن محمد، (١٤١٣ق)، المقنعة، قم؛ كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد - رحمة الله عليه، چاپ اول.
١٦. نجفى، محمدحسن، (بيتا)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، لبنان: دار إحياء التراث العربى.

